



# دین یابی یا دین دهی

## بایدها و نبایدها

### تربیت دینی

تربیت دینی به معنای متخلق شدن به اخلاق الهی است که هدف بعثت تمام پیامبران است و در نظام اسلامی متعالی ترین هدف تلقی می شود.

پیامبر گرامی اسلام نیز هدف اصلی رسالت خود را به کمال رساندن خلق های کریم و منش های بزرگوارانه معرفی کرده است:

«انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (بحار الانوار، ج ۶۷، باب ۵۹، حدیث ۱۸).

بدون تردید، اخلاق نیک و زدودن زشتی ها و آراستگی به خوبی ها یکی از عوامل مهم بهره مندی از سعادت دنیوی و اخروی است.

از نظر قرآن، انسان یک تکون و خلقت جسمی دارد و یک انشای خلقی که این انشای خلق دوم شخصیت و انسانیت را شکل می دهد، آن چه متعلق به تعلیم و تربیت است همان انشای خلق دیگر است. «ثم انشاه خلقا اخر». در انسان استعداد های بالقوه ای نهفته است که بر اثر تعلیم و تربیت شکوفا می شود و از انسان خلیفه الله می سازد. از نظر اسلام تعلیم و تربیت به انسان بیش می دهد که با آن دست به انتخاب احسن می زند.

قرآن کریم صراحتاً تعلیم و تربیت را یکی از اهداف اساسی برانگیختن پیامبر اکرم (ص) دانسته، می فرماید: هوالذی بعث

دشمنان سعی می کنند که نابهنجاری های فرهنگی و اجتماعی، چون بدپوشی و تغییر رفتار جوانان و نوجوانان را تابوشکنی در حوزه اخلاق و دین گریزی در حوزه عقیده معرفی کنند و آن را محصول شکاف و گسست نسل ها در جامعه ایران، به عنوان یک بحران ایدئولوژیکی جلوه دهند و دین ستیزی و گریز از هنجارهای عقیدتی، خصوصاً میان جوانان و نوجوانان را فضای غالب در جامعه ایران برشمارند و به منظور تحت تأثیر قرار دادن جوانان و نوجوانان و استحاله فرهنگی، در عرصه فناوری ارتباطات، با به کارگیری حداکثر ظرفیت تکنولوژی جدید رسانه ای و امواج ماهواره و اینترنت و ده ها سایت فارسی زبان از تولید و انتشار مدل های فرهنگی از نوع غربی چون اباحه گری و ... فروگذار نیستند و هر روز نیز بر تبلیغات گسترده و همه جانبه و فراگیر رسانه های خود با استفاده از فناوری مدرن می افزایند. اما، واقعیت این است که با تأمل درباره عمق لایه های درونی جامعه بسیاری از نابهنجاری های فرهنگی و اجتماعی چون پدیده بدپوشی میان بسیاری از جوانان و نوجوانان، نه از رهگذر تابوشکنی در حوزه اخلاق و نه رویکرد دین گریزی در حوزه عقیده است، بلکه با توجه به ویژگی ها و زمینه های تربیتی، عاطفی و احساسی جوانان و نوجوانان می بایست از منظر سوء رفتار دینی مورد مذاقه و کارشناسی قرار گیرد. در مقاله حاضر از منظری تازه به تبیین این بحث می پردازیم.

فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم و یعلمهم  
الکتاب و الحکمه (سوره جمعه، آیه ۲).

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از  
خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و آنان را تزکیه  
می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش  
از آن در گمراهی آشکار بودند.

نگاهی به میراث علمی عالمان برجسته در طول ادوار تاریخ  
نیز نشان می‌دهد که موضوع تربیت و اخلاق به‌طور ویژه مورد  
توجه قرار گرفته است.

تعلیم و تربیت دینی باید بر سه حوزه شناختی، عاطفی و  
رفتاری اثر بگذارد و در صورت عدم تحقق این فرایند، جامعه دچار  
مشکلات جدی فرهنگی می‌گردد. تربیت دینی و آسیب‌شناسی  
آن، موضوع پیچیده‌ای است که هرگونه تجویزی برای آن نیاز  
به جامع‌اندیشی، ژرف‌نگری و دین‌اندیشی با احاطه به مبادی  
معرفت‌شناختی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و فناوری  
آموزشی و رسانه‌ای دارد.

### آسیب‌شناسی تربیت دینی

ورود به موضوع «آسیب‌شناسی تربیت دینی» بدون تمایزگذاری  
میان رویکردهای مختلف روش شناختی و قرائت‌های گوناگون  
دین شناختی در تربیت دینی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، قبل  
از هر چیز باید بین دین «خودبنیاد فطری» و دین «دگربنیاد  
عاریه‌ای» تمایز اساسی قایل شد تا بتوان به سازه‌ها و انگاره‌های  
پنهان آسیب‌شناسی در تربیت دینی پی‌برد.

پس از تبیین درست روش شناختی و قرائت صحیح دین  
شناختی در تربیت دینی می‌توان گفت که بهبود نظام تعلیم و  
تربیت، به ویژه تحقق تربیت دینی در نسل کنونی و آینده، جز  
از طریق رویکرد سیستمی به شبکه گسترده نظام فرهنگی و  
آموزشی، آسیب‌شناسی وضع موجود و شرایط مساعد اجتماعی  
امکان‌پذیر نیست.

به عبارت دیگر، غفلت از هم‌بستگی علی بین عوامل و  
مؤلفه‌های تربیت دینی در شبکه گسترده فرهنگی و آموزشی  
شاید از شایع‌ترین خطاهای تربیت دینی شمرده شود.

باید در تجربه تبلیغ و تربیت دینی به خوبی بازخوانی و بازنمایی  
کرد که «چرا» و «چگونه» بین «درون‌داد» و «برون‌داد»، بین آن‌چه  
در مقام تبلیغ و ترویج دین و تربیت دینی «قصد» می‌شود و آن‌چه  
در مقام عمل و رفتار بخشی از نسل جوان و نوجوان «کسب» شده  
است، ناهمگونی و بلکه درپاره‌ای از موارد «وارونگی» رخ داده است؟

آن‌جا که تربیت دینی از رهیافت طبیعی، فطری و خودانگیخته  
آن به سوی رهیافت‌های اکتسابی، بیرونی سوق داده شده است،  
«آسیب‌زایی تربیت دینی» بیش از هر زمان رخ نمایی کرده است.  
تأمل در این زمینه که آیا شبکه گسترده فرهنگی و آموزشی،  
از شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و  
نهادهای مرتبط در امر تعلیم و تربیت، فرهنگ و آموزش در جهت  
تربیت دینی جوانان و نوجوانان توفیق داشته است یا خیر و احياناً  
چه عوامل و موانعی در برابر تحقق تربیت دینی نسل جوان و  
نوجوان وجود دارد، از ضروریات است.

### حجاب، ارزنده‌ترین نمود فرهنگی

برای نمونه، «حجاب» از ارزنده‌ترین نمودهای فرهنگی،  
اجتماعی در تمدن ایران اسلامی است که پیشینه آن به قبل از  
ورود اسلام می‌رسد، اما در فرهنگ اسلامی به اوج تعالی و منتهای  
ارزش و اعتبار خود می‌رسد.

حجاب و عفاف، پدیده مذهبی - ارزشی مهمی در تعلیم  
اسلامی است و توجه به زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی به عنوان  
بستر آن بسیار شایسته و لازم می‌نماید و اشاعه و تعمیق آن  
نیازمند آموزش‌های بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه  
و اجتماع است.



## نهادینه شدن ارزش‌ها

نظر ویژگی‌های فردی و روانی تفاوت‌های اساسی دارند. هر فردی خصوصیات خاص خود را دارد. آموزش هر مسئله‌ای برای انسان باید با توجه به ویژگی‌های روانی او باشد. اگر این مسئله رعایت نشود، امر آموزش و تربیت آسیب‌زا می‌گردد. داستان موسی و شبان در مثنوی مولوی ما را از سیرت اخلاقی و اجتماعی، یعنی رعایت فهم و استعداد مخاطب آگاه می‌کند. بیان توجیه الهی و خداشناسی داستان موسی و شبان در مثنوی مولوی نمونه‌ای از این شیوه تربیتی است:

دید موسی یک شبانی را به راه  
کو همی گفت ای خدا و ای اله  
تو کجایی تا شوم من چاکرت  
چارقت دوزم کنم شانه سرت  
گرددانم خانهات را من مدام  
روغن و شیرت بیارم صبح و شام  
ای فدای تو همه بزهای من  
ای به یادت هی هی و هیهای من  
زین سخن بیهوده می‌گفت آن شبان  
گفت موسی با که هستی ای فلان  
گفت با آن کس که ما را آفرید  
این زمین و چرخ از او آمد پدید  
گفت موسی های خیره سر شدی  
خود مسلمان نشده کافر شدی  
شیر او نوشد که در نشو و نماست  
چارق او پوشد که او محتاج یاست  
گفت ای موسی دهانم دوختی  
وز پشیمانی تو جانم سوختی  
وحی آمد سوی موسی از خدا  
بنده ما را چرا کردی جدا  
تو برای وصل کردن آمدی  
نی برای فصل کردن آمدی  
ما درون را بنگریم و حال را  
نی برون را بنگریم و قال را  
چون که موسی این عتاب از حق شنید  
در بیابان از پی چوپان دوید  
عاقبت دریافت او را و بدید  
گفت مژده ده که دستوری رسید  
هیچ آدابی و دستوری محو  
هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو

بدیهی است که در کنار شرایط مساعد اجتماعی، ارزش تلقی کردن و الگوپذیری این فرهنگ، نیازمند درونی و نهادینه شدن آن در وجود افراد است. بدون شک رسیدن به این هدف، نیازمند مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه‌ها به صورت مستمر و هدفمند می‌باشد» (دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی).

هر جامعه‌ای ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و به طور کلی فرهنگ خود را از طریق فرایند اجتماعی شدن به نسل و نسل‌های بعدی منتقل می‌کند.

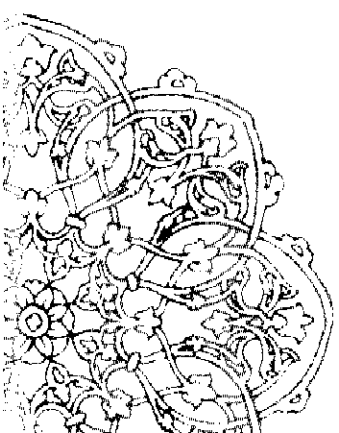
«هدایت فرد در زمینه اجتماعی و فراهم ساختن موجبات رشد اجتماعی ایجاب می‌کند که مربیان و پدران و مادران آگاه و به طور کلی مراکز تربیتی و آموزشی جامعه، افراد را با میراث فرهنگی جامعه آشنا سازند و از طریق شرکت دادن افراد در گروه‌های کوچک و بزرگ اجتماعی، برای ایجاد علاقه به حیات جمعی، لذت بردن از زندگی جمعی و ایجاد مهارت‌های اجتماعی به افراد کمک کنند.

فرایند اجتماعی شدن عبارت است از تأثیر متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی بر یکدیگر، به طوری که هر فرد یا گروه، محرک فرد یا گروه دیگر شود و در نتیجه، رفتار افراد به صورتی رضایت‌آمیز تغییر کند و حیات جمعی به طور معقول ادامه یابد» (شریعتمداری).

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان دربارهٔ دین معتقدند که وقتی پیام دینی به افراد عرضه شد و مورد پذیرش قرار گرفت، با اهداف، منافع و عقاید پیشین، تربیت خانوادگی، محلی و ملی ترکیب می‌شود و خصوصیت ویژه‌ای پیدا کرده، نتایج ناخواسته‌ای به وجود می‌آورد که مورد انتظار نیست. به این جریان پیامدهای دین‌داری گفته می‌شود. حال ممکن است این پیامدها مثبت باشد که به آن کارکردهای مثبت دینی می‌گویند و ممکن است پیامدهای منفی به همراه داشته باشد که به آن کارکردهای منفی یا آسیب‌های دین‌داری می‌گویند. بنابراین آسیب‌دینی یعنی بروز و ظهور رفتارهایی که مورد انتظار دین نیست و حتی به اصل دین لطمه می‌زند، اما توسط بعضی دین‌داران انجام می‌شود.

## دلایل آسیب‌های رفتار دینی

حال این سؤال مطرح می‌گردد که چرا دین‌داران دچار آسیب‌های رفتار دینی می‌گردند؟ در پاسخ به این سؤال دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است که تنها به نظریهٔ روانی دین اشاره می‌گردد: دیدگاه روانی دین معتقد است که انسان‌ها از



بنابراین یکی از مسائل مهم جامعه امروز، چگونگی ارائه مفاهیم، محتوا و ارزش‌های مذهبی و دینی و نحوه تفهیم آن‌ها به جوانان و نوجوانان و در نهایت اثر بخشی پیام است.

### فطرت انسان و رابطه با دین

قرآن کریم می‌فرماید:

فاقم وجهک للذین حنیفاً فطرت‌الله الّتی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم و لکن اکثر الناس لا یعلمون (سوره روم، آیه ۳۰). پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار؛ ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند.

علی (ع) در روایتی خطاب به پیشگاه الهی عرضه می‌دارد: اللهم خلقت القلوب علی ارادتک و فطرت العقول علی معرفتک (بحارنوار، ج ۹۵، ص ۴۰۳). خدایا تو قلب‌ها را با ارادت و محبت خود و عقل‌ها را با معرفت خود سرشته‌ای.

و در دعای عرفه امام حسین (ع) آمده است: چگونه از چیزی که در وجودش به تو نیازمند است به تو استدلال می‌توان کرد؟ آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست تا آشکار کننده تو باشد؟ تو کی غایب بوده‌ای تا دلیل و راهنما نیاز داشته باشی و بر تو دلالت کند و کی دور بوده‌ای تا آثار و نشانه‌ها ما را به تو برسانند؟ کور باد دیده‌ای که تو را با آن نشانه‌ها، حاضر نیند و قرین زبان باد معامله بنده‌ای که برای او، بهره‌ای از دوستی‌ات قرار نداده‌ای (مفاتیح الجنان، دعای عرفه).

«در قرآن لغت «فطرت» در مورد انسان و رابطه او با دین آمده است: «فطره‌الله الّتی فطر الناس علیها»، یعنی آن گونه خاص از آفرینش که ما به انسان داده‌ایم؛ یعنی انسان به گونه‌ای خاص آفریده شده است. این کلمه‌ای که امروز می‌گویند «ویژگی‌های انسان»، اگر ما برای انسان یک سلسله ویژگی‌ها در اصل خلقت قائل باشیم، مفهوم فطرت را می‌دهد. فطرت انسان یعنی ویژگی‌هایی در اصل خلقت و آفرینش انسان» (استاد شهید، مطهری).

### ارزش‌های انسانی

«بدون شک تعلیمات اسلامی براساس قبول یک سلسله فطریات است؛ یعنی همه آن چیزهایی که امروز مسائل انسانی و ماورای حیوانی نامیده می‌شوند و اسم آن‌ها را «ارزش‌های انسانی» می‌گذاریم، از نظر معارف اسلامی ریشه‌ای در نهاد و سرشت انسان دارند

که اصالت انسان و انسانیت واقعی انسان در گرو قبول فطریات است. این حرف عبث است که ما برای انسان فطریات قائل نشویم، یعنی ریشه‌ای در نهاد انسان برای این‌ها قائل نشویم و دم از «اومانیزم» و اصالت انسان بزنیم» (همان).

### هدایت فطری و هدایت اکتسابی

«انسان‌ها دارای دو گونه هدایت‌اند. هدایت فطری و هدایت اکتسابی، و قرآن می‌خواهد بگوید که تا کسی چراغ هدایت فطری‌اش روشن نباشد، هدایت اکتسابی برای او فایده ندارد. این در واقع همان مطلب است که انسان انسانیت فطری خودش را حفظ نکرده باشد [تعلیمات انبیا برای او] فایده ندارد، یعنی تعلیمات انبیا برای اشخاص مسخ شده و کسانی که انسانیت را از دست داده‌اند مفید نیست و تجربه و واقعیت نیز همین را نشان می‌دهد» (همان).

متخصصین تعلیم و تربیت معتقدند که میزان اعتقاد به دین و ثبات و قوام آن در بزرگسالی به میزان کارآمدی آموزش‌های دینی در دوران کودکی بستگی دارد. توجه به افزایش آسیب‌پذیری دینی و مذهبی در میان نسل جدید در جامعه ما، اهمیت توجه به محتوای آموزش‌های مذهبی را بیش از پیش روشن می‌کند.

از آن‌جا که حس دین اساساً در طبیعت و فطرت کودک به ودیعه نهاده شده است، تنها زمینه‌سازی روانی، عاطفی لازم است تا خود فرد بدون القا و اجبار بیرونی به کشف و شکوفایی آن دست یابد و آموزش‌ها و تعالیم مذهبی نیز باید در جهت یاری کردن کودک برای چگونگی کشف آن از طریق خویش باشد تا این که به‌طور آماده و از بیرون در اختیار وی قرار گیرد و در غیر این صورت مطمئناً در پرورش حس مذهبی او اختلال و کندی ایجاد شده، با ارائه مطالب و مواد صوری دینی انگیزه درونی، کنجکاوی ذاتی، عشق وجودی و نیاز فطری وی کاهش می‌یابد.

«در یک پژوهش، به مطالعه ۸ نفر از دانش‌آموزان که به صورت آزادانه و آگاهانه به دفتر مشاوره دبیرستان مراجعه کرده و همگی آنان تردید و نوسان در دین‌داری و بی‌دینی داشته‌اند، پرداخته شد. روابط پدر و مادر، مدرسه و ارزش‌هایی نظیر نماز، قرآن، مسجد و ... مورد بررسی قرار گرفت و با پژوهش بالینی دقیق، این نتیجه به دست می‌آمد که فرایند بی‌دینی با تربیت و اعتقادات دینی سخت در سال‌های کودکی شروع شده و در سال‌های بعد پیگیری و توجیه نداشته است» (همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی).



## تفاوت دین‌یابی با دین‌دهی

در این جا برای فهم شفاف از تفاوت «دین‌یابی» و «دین‌دهی» می‌توان از تمثیل «چاه» و «حوض» بهره گرفت. چاه از درون می‌جوشد و تولیدکننده آب است. اما حوض از بیرون آب را دریافت می‌کند. چشمه جوشان دین‌جویی و دین‌یابی در فطرت آدمی به ودیعه نهاده شده است، حال آن که عده‌ای به تعبیر مولوی وابسته به «آب ناودانی» اند که از برون به آن‌ها می‌ریزد! در دین‌یابی، «حس دینی»، «پرورش» می‌یابد و در دین‌دهی، معلومات و محفوظات دینی «گسترش» می‌یابد.

در فرایند تربیت دینی معطوف به رهیافت «دین‌یابی»، شوق و خوف درونی جایگزین تشویق و تنبیه بیرونی می‌شود و دین «کنش لذت‌بخش» خود را در همه ابعاد زندگی توسعه می‌دهد، اما در تربیت دینی معطوف به «دین‌دهی»، کنش‌های آدمی در اخلاق و رفتار بی‌ریشه و آسیب‌زا می‌شود (همان).

اگر نیازهای بنیادی فطری انسان درست تربیت نشود و تنها با قواعد بازدارنده، تحقیر، سرزنش و تهدید آن را محدود سازیم، فرد را دچار بیماری ساخته‌ایم.

فردی متدین پرورده می‌شود که در تربیت دینی و سیر و سلوک به سوی خدا، برآزادی، آگاهی و آفرینندگی او تکیه کرده باشیم.

از آن جا که یکی از نیازهای انسان میل به زیبایی و جمالی دوستی است، در تربیت دینی نیز می‌توان کمال استفاده مطلوب را از این گرایش ذاتی کرد. اگر شبکه گسترده فرهنگی و آموزشی و تبلیغ تربیتی بتواند پیام خود را به شکلی زیبا و هنرمندانه به مخاطب خود منتقل سازد، توانسته است پلی میان طبیعت بشری (میل به زیبایی) و تربیت بزند.

## عشق، کلید تربیت است

می‌توان گفت کلید تربیت اسلامی عشق است که با جاذبه زیبایی و معنویت می‌تواند قلب آدمی را مهیای کمال کند. اگر تربیت دینی براساس عشق و زیبایی باشد، انتظار دریافت پاداش و ترس از مجازات در آن معنا نخواهد داشت و اعمال و رفتار دینی براساس عشق و علاقه قلبی و شهودی انجام خواهد گرفت.

هدف از تربیت دینی، پرورش شور و شوق فطری افراد نسبت به جلال و جمال الهی است. هدف، عشق‌ورزی به دین است نه انتقال دین. نقش خانواده، مدرسه و پیام‌آوران دینی نیز تنها انتقال و انباشت اطلاعات دینی در ذهن مخاطبان نیست، بلکه ایجاد شرایط مناسبی است که مخاطبین، خصوصاً جوانان، خود

بتوانند به فهم عمیق دین نایل شوند و آنان تنها نقش راهنما را دارند.

اگر شیوه تربیت دینی الهام گرفته از شیوه‌های پیامبرانه و خصوصاً پیامبر گرامی اسلام باشد، احساس و رغبت دینی در افراد پرورش خواهد یافت.

تربیت دینی امری درونی، شهودی و اشراقی است و از طریق زمینه‌سازی و مکاشفه حاصل می‌شود. پس دین‌یابی، یک فرایند درونی، فاعلی و شخصی است، حال آن که «دین‌دهی» یک امر بیرونی و اقتباسی است. به نظر می‌رسد منشأ تربیت دینی فرایندی خودانگیخته دارد و ایمان راستین را نمی‌توان به صورت «تحکمی» و «ساختگی» پدید آورد، بلکه باید زمینه‌ای فراهم کرد که فرد بتواند آن را از درون احساس کند و نه این که از بیرون اقتباس نماید.

اگر بتوانیم شیوه «اکتشافی» را در تربیت دینی جایگزین شیوه «اکتسابی» کنیم، بسیاری از افات تربیت دینی بر طرف خواهد شد و حس مذهبی مبتنی بر ایمان درونی که سرشار از زاینده‌گی، معنایابی و لذت پایان‌ناپذیر است، ایجاد می‌گردد.

اما هر نوع اتخاذ روش نادرست و تبلیغات صوری و اشباع افراطی، «حس نیاز دینی» را در جوانان از بین خواهد برد و آن چه را که از دل آن‌ها می‌جوشد و فوران می‌کند، خاموش خواهد کرد. راه برون شدن از این بن‌بست تربیت دینی، تغییر روش‌ها در تبلیغات دینی و تربیت دینی است که مکانیزم «خدایابی» را جایگزین «خدادهی» کند. اتخاذ شیوه‌های عرفانی برای آموزش دین و ایجاد زمینه‌های دین‌جویی بسیار حائز اهمیت است.

توجه به این ضرورت‌ها منجر به ایجاد انگیزه‌های درونی در مخاطبان می‌شود، که با استفاده از این خودانگیختگی و فطرت خداجوی می‌توان به تربیت دینی مناسب دست یافت.

منبع: <http://www.kayhannews.ir>

